برش هایی از یاد و ارادت به امام رضا(ع) در دوران دفاع مقدس

# وقتی از بی سیم صدا آمد که پیکر ۸ شهید پیدا شد...

**عسکری**- برای ما ایرانی ها، حضور معنوی حضرت ثامن الحجج(ع) در زندگی و کاریکی از بدیهیات ذهن و ضمیرمان بوده و هست. چه بسیار استمدادهایی که به مدد حمایت و توسل به وجود منورش به اجابت مبدل شده و چه بسیار گره ها که با گوشه نگاهی از کرم و مهربانی اش باز شده است. امام رضا(ع) در سال های دفاع مقدس نیز پشتوانه معنوی رزمندگان و پیروزی های کشور در جنگ بود. گزارش پیش رو شاید گوشه ای است از دریای ارادت خالصانه مردمان این سرزمین به حضرت علی ابن موسی الرضا(ع)؛ ارادتی که در دوران دفاع مقدس دستگیر رزمندگان مان بود.

■ **شفاعت برای شهادت**

در طول سال های دفاع مقدس رزمندگان بسیاری بودند که با مدد از علی ابن موسی الرضا(ع) راهی جبهه دفاع از وطن شدند. در آن سال ها هر رزمنده به طریقی ارتباطی با حرم مطهر رضوی و امام رضا(ع) داشت. در یکی از این خاطرات با عنوان «آخرین مرخصی» که به قلم همسر شهید مصطفی اکرمی تدوین شده آمده است: «همراه با هم به حرم رفتیم و مصطفی، با تواضع از امام رضا(ع) طلب رضایت کرد و خواست زودتر به جبهه برگردد. من پولی در ضریح انداختم و به شوخی گفتم آرزو می کنم بیشتر در مشهد بمانی. وقتی روز بعد خبردار شدم مصطفی با دو روز تاخیر به جبهه خواهد رفت، در دلم گفتم کاش چیز دیگری از آقا می خواستم!..»

همرزم شهید «محمدعلی حافظی عسگری» می گوید: هنگامی که در بحبوحه عملیات «مسلم بن عقیل» عده ای از نیروهای تحت فرماندهی محمدعلی راه را گم کرده، او و دیگر رزمندگان به امام رضا(ع) متوسل شدند و باران، مسئله شان را حل کرد.

■ **۸ شهیدی که به عطر پرچم آقا رخ نشان دادند**

سردار «سیدمحمد باقرزاده» فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح با ذکر خاطره جالبی از تفحص شهدا می گوید: «چندین سال پیش در محدوده ای بین کوشک و شلمچه کار می کردیم. هر چه گشتیم تا ۹ ماه شهید پیدا نشد. مدام تیم های جست و جو به من فشار می‌آوردند که این جا شهید نیست و می گفتند که آقای باقرزاده شما ما را سر کار گذاشته اید. ولی من همچنان اصرار داشتم که در آن محدوده شهید وجود دارد و باید تفحص کرد. بعد از مدتی روحیه من هم ضعیف شد تا این که چند گروه از خانواده های شهدا با یک گروه تلویزیونی به طلاییه آمدند تا برنامه‌ای به نام «سرور سبز» را اجرا کنند. در آن روز نیز ما یک پرچم از حرم امام رضا(ع) را از آستان مقدس رضوی گرفته بودیم تا بر روی گنبد حسینیه طلاییه نصب کنیم. همین که رایحه پرچم گنبد امام رئوف در فضا پیچید پشت بی سیم به من اعلام کردند که ۸ شهید به ترتیب پیدا شده اند و به محض این که شهدا را آوردند من دستور دادم استخوان های این عزیزان را درون همین پارچه بپیچند؛ چرا که شهدا به واسطه بوی حرم امام رضا(ع) خود را به ما نشان داده بودند.»

■ **عملیات ثامن الائمه(ع)؛ شکست حصر آبادان**

آبادان در حصر بود و عنقریب بود که سقوط کند. عراقی ها برای تصرف آبادان در ۸ آبان ۱۳۵۹، در منطقه ذوالفقاری روی رودخانه بهمنشیر، پل شناور نصب کردند و با عبور دادن قسمتی از نیروهای خود، وارد جزیره آبادان شدند و از آن نظر منطقه ذوالفقاری را انتخاب کرده بودند که با استفاده از پوشش نخلستان ها بتوانند از دید رزمندگان اسلام دور بمانند و به راحتی وارد شهر شوند.

عملیات ثامن الائمه(ع) گرچه به عنوان یکی از چهار عملیات بزرگ و برجسته در چارچوب سلسله تلاش هایی که برای آزاد سازی مناطق اشغالی انجام گرفت، به شمار می رود ولی این عملیات به منزله «نقطه عطف» و «حلقه واسط» برای انتقال استراتژی جنگ از وضعیت گذشته به وضعیت جدید بود. در دوران جنگ لشکر ۷۷ پیاده خراسان یکی از نخستین یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که با آغاز تهاجم دشمن بعثی برای حضور در منطقه، مأموریت یافت.

یکی از افتخارات بزرگ لشکر ۷۷ عملیات کلیدی و غرورآفرین ثامن الائمه(ع) است. این عملیات پس از آن که امام خمینی (ره) فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود»، توسط رزمندگان این لشکر و با کمک سپاه پاسداران و ژاندارمری و نیروهای مردمی در اول مهر ۱۳۶۰ اجرا شد. بعد از این عملیات، لشکر ۷۷ پیاده، به لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه(ع) تغییر نام یافت.

■ **خادم کشیک ششم**

سردار «غلامرضا سمایی» یکی از رزمندگان شجاع خراسانی و خادم بارگاه منور رضوی بود و اگر چه در دوران دفاع مقدس بال هایش برای پرواز بسته ماند اما این فرمانده خراسانی دفاع مقدس و خادم امام رضا(ع) در دفاع از حرم در جبهه سوریه به آسمان پر کشید. این رزمنده شجاع در کارنامه پرافتخارش در دوران دفاع مقدس در مسئولیت‌هایی همچون فرمانده بسیج تربت‌حیدریه، مسئول اطلاعات سپاه شادگان اهواز، مسئول اطلاعات و فرمانده آتشبار گردان توپخانه، مسئول اطلاعات گروه توپخانه و موشکی ۶۱ محرم، مسئول گروه توپخانه لشکر ۵ نصر، معاون هماهنگ کننده قرارگاه ثامن الائمه(ع)، مسئول عملیات قرارگاه ثامن الائمه(ع) سپاه در شرق به بهترین شیوه وروش ایفای نقش کرد. این شهید بزرگوار از خادمان کشیک ششم حرم مطهر رضوی بود.

■ **یاد امام رضا(ع) رمز پیروزی ما بود**

سردار شهید «محسن قاجاریان» که دوره و بری ها می گویند ارادت تام و تمامی به امام رضا(ع) داشت، اتفاقا پست های خدمتی اش هم در مکان هایی بود که نامی از نام مبارک امام رضا(ع) داشت؛ جانشین معاونت عملیات تیپ زرهی ۲۱ امام رضا(ع) یکی از این موارد بود. وی که سال ۹۴ در راه دفاع از حریم حرم حضرت زینب(س) آسمانی شد، همواره به امدادهای امام رضا(ع) و توسل رزمندگان به ثامن الحجج(ع) به عنوان یکی از رموز پیروزی در سال های دفاع مقدس اشاره می کرد.

■ **سربندهای یا سلطان خراسان**

آن گونه که سابقه تاریخی تولید سربندهای مزین به نام ائمه اطهار نشان می دهد، تولید این سربندها ابتکاری از یک هنرمند به نام «منصور واحدی» بود که در دوران دفاع مقدس و بعد از آن در اجتماعات، رزمایش‌ها و دفاع از حرم نمود یافت. بستن این سربندها روحیه‌ای به رزمنده‌ها می‌دهد و وحشتی در دل دشمنان می اندازد. در بسیاری از عملیات های غرور آفرین و پیروز رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس، عبارت «یا ثامن الحجج»، «یا امام رضا»، «یا سلطان خراسان»، «لبیک یا حسین»، «عاشقان شهادت» و ... قوت قلب رزمندگان در دفاع از مرزهای کشور بود. با گذشت مدت کوتاهی از آغاز جنگ، واحد تبلیغات سپاه با ابتکار منصور واحدی، سربندهایی را طراحی و در بین رزمندگان توزیع کرد که در تقویت روحیه رزمندگان موثر بود. این سربندها در رنگ هایی که شور حماسی یا مرتبط با فرهنگ اسلامی بود چاپ می‌شود و بیشتر به رنگ های قرمز، سبز و زرد بود.

■ **دعای توسل مجروحان، دور ضریح امام رضا(ع)**

شاید اشاره به یکی دیگر از ابعاد حضور معنوی در زندگی رزمندگان دوران دفاع مقدس نیز جالب توجه باشد؛ هنوز هم خیلی هایادشان می آید در شب های چهارشنبه اطراف ضریح پر بود از رزمندگان مجروحی که برخی از آن ها حتی سر تا پا در گچ بودند. اطراف ضریح امام رضا(ع) قرق مجروحان جنگ می‌شد نه فقط مجروحانی که می‌توانستد حرکت کنند بلکه حتی رزمنده هایی که سر تا پای شان را گچ گرفته بودند به حرم آمده و دعای توسل می خواندند. زیارت امام رضا(ع) هم همواره یکی از خاص ترین برنامه تیپ ها و لشکرها در دوران دفاع مقدس بود.

■ **شهیدی که پیکرش اشتباهی راهی مشهد شد**

بودند شهدایی که هیچ گاه به زیارت امام رضا(ع) مشرف نشدند و جسد مطهرشان اشتباهی به مشهد فرستاده شد و این گونه بعد از شهادت به پابوسی امام(ع) می آمدند! البته درباره کیفیت و چیستی ارتباط معنوی و توسلات شهدا به امام رضا(ع) فقط خودشان می توانند سخن بگویند. یکی از این شهدا، شهید «محسن نعمتی» بود. خواهر شهید در این باره می گوید: دی سال ۶۵ بود، ایام شهادت محسن، شوهر خواهرم در یکی از روستاهای همدان معلم حق التدریسی بود. خواهرزاده‌ام تازه به دنیا آمده بود، من هم آن جا بودم. غروب، آفتاب به رنگ قرمز درآمده بود، رادیو مارش حمله را پخش می کرد. قلبم گرفت، به دلم افتاد برای محسن اتفاقی افتاده است. بی خبر بودم تا ۹ بهمن سال ۱۳۶۵ اما بعد از شنیدن خبر شهادتش در سومین روز شهادتش رسیدم. در روستا بودیم، تا رسیدم به خاکش سپرده بودند آن زمان تلفن در دسترس نبود. طبق عادت هر سال مشهد می‌رفت. آن سال نشد که برود. بعد از شهادت، پیکرش را اشتباهی به مشهد بردند. فکر می کنم این بار هم اول باید به زیارت می‌رفت و بعد به خانه آخرت می آمد.

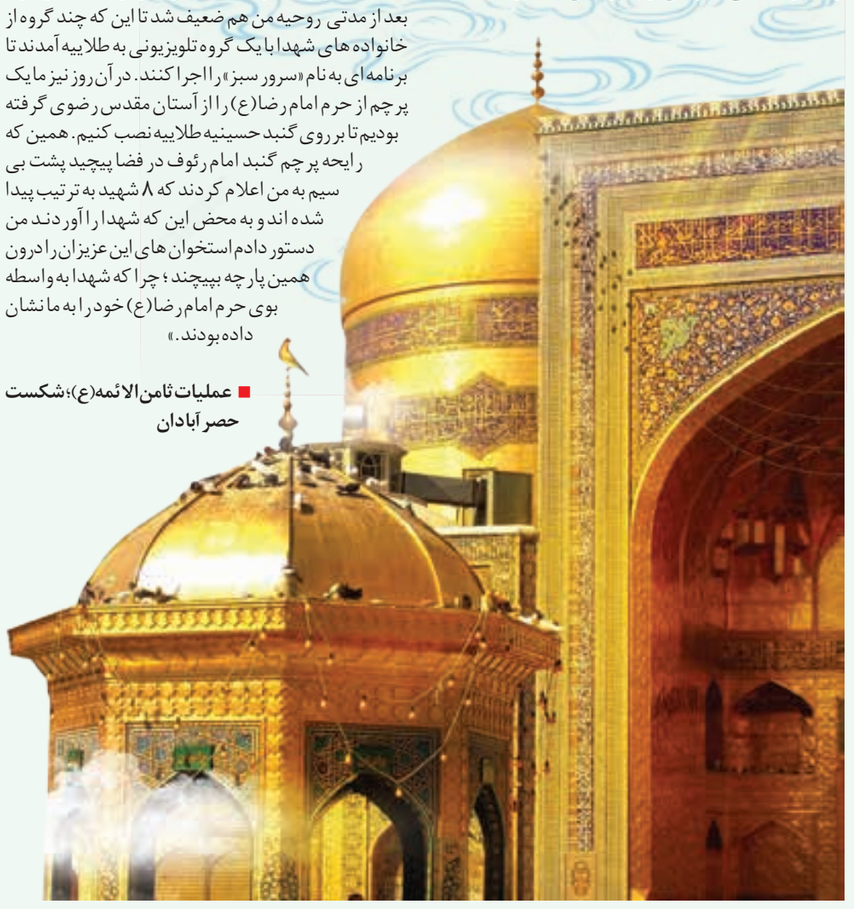

# ضربتِ مرصاد

**غلامرضا بنی اسدی**- ... یک دفعه ساعت ۸:۳۰ شب از ستاد کل به من زنگ زدند و گفتند: دشمن از سرپل ذهاب، گردنه پاتاق با سرعت به جلو می‌آید. همین جوری سرش را انداخته پایین می‌آید. من گفتم: کدام دشمن؟! اگر تنها از یک محور می‌آید، پس چه جور دشمنی است؟! گفتند: نمی‌دانیم. گفتند: همین طور آمده الان هم به کرند رسید و کرند را هم گرفتند. چون بعد از پاتاق، می‌شود کرند، بعد از کرند، می‌شود اسلام‌آباد غرب و سپس نیز می‌آیند به کرمانشاه. گفتم: این چه جور دشمنی است؟ گفتند: ما چیزی نمی‌دانیم...

آخر گفتم: فقط به هواپیما بگویید که ساعت ۱۰:۳۰ آماده بشود ما با هواپیما برویم به کرمانشاه. طاق بستان محل قرارگاه بود. مجبور شدیم پیاده شویم، ماشین گرفتیم، رفتیم تا رسیدیم و تا ساعت ۱:۳۰ شب ما دنبال این بودیم، این دشمنی که دارد می‌آید، کیه؟ ساعت ۱:۳۰ شب یک پاسداری آمد، گفت: من اسلام‌آباد بودم، دیدم منافقین آمدند، ریختند توی شهر! این روایت شهید صیاد شیرازی است از آغاز هجوم نسل به روز شده عبدا... بن ابی - که پدر نفاق در تاریخ اسلام است- به خاک مقدس جمهوری اسلامی بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸. می پنداشتند که همه چیز تمام شده است و آغوش مردم هم برای آنان باز است. این را می شود در لابه لای سخنان مسعود و مریم رجوی هم دید که نیروهایشان را برای این نبرد تهییج می کنند اما نمی دانستند ایران خدایی بالاسر دارد که هم خیر الماکرین است و هم خیر الناصرین و هم وعده صادق داده است که" ان ربک لبالمرصاد" و او در کمین ستمکاران است و چه ستمی بالاتر از جنایت و توام کردن آن با خیانت؟ آنان حدود ۳۰ تیپ رزمی، برای تهاجم خود به خاک ایران تشکیل داده بودند. هر تیپ ۱۷۰ نفر نیروی رزمی (۲۰ زن و ۱۵۰ مرد) در اختیار داشت که به همراه نیروهای پشتیبانی به ۲۸۰ نفر می‌رسید و دارای دو گردان پیاده، یک گردان تانک، یک گردان ادوات و یک گردان ارکان و پشتیبانی رزم بود. با این سازمان رزم می آمدند تا بزم پیروزی برگزار کنند. به گواه گزارش ها و اسناد، در بدو ورود منافقین، اگر چه تعدادی از نیروهای سپاه و مردم با آنان درگیر شدند اما آنان با استفاده از تعداد زیادی تانک دجله و خودرو، طرف کرمانشاه سرازیر شدند ولی در منطقه حسن آباد، ۲۰ کیلومتری اسلام آباد به دلیل سازمان دهی جدید رزمندگان ایرانی و جمع آوری نیرو، منافقین زمین گیر شدند و جنگ مغلوب شد. یکی نزده، ۱۰ تا می خوردند و مثل برگ خزان بر خاک می افتادند. در حقیقت فروغ جاویدان نبود، غروب جاویدان بود آن چه برای منافقین در عملیات مرصاد اتفاق افتاد. فروغی که بود از غیرت رزمندگان ما تابان می شد و عشایری که به جان سنگر ساختند در برابر لشکر روسیاه منافقین. جاودانگی هم سهم ما شد که با سر بلندی، لشکر مست غرور را بر زمین زبونی کوبیدیم و ثابت کردیم خاک ایران پاک تر از آن است که به وجود منافقین آلوده شود. خدا بیامرزد سپهبد ارتش خدا، صیاد شیرازی را که در این عملیات ضرب شستی نشان دشمن داد که هنوز درد آن را در گونه خود حس می کنند. این ضربت چنان سهمگین بود که دیگر نتوانستند فعالیت عملیاتی چندانی داشته باشند و مرصاد به واقع پایان قدرت عملیاتی آن سازمان جهنمی بود. ان شاءا... پایان فعالیت تروریستی و روانی و تبلیغی آنان هم دور نیست که خون شهدای مرصاد و ۱۷ هزار شهید ترور تا آنان را دفن نکنند آرام نخواهد گرفت...

## حرف آزادگی

**گروه پلاک عزت**- با گذشت حدود سه دهه از بازگشت آزادگان سرافراز از دوران اسارت در زندان های بعثی، هنوز خاطرات و حرف های زیادی از مقاومت این رزمندگان دلاور در سینه های شان حبس شده است. ای کاش شرایطی فراهم می شد که نسل امروز بتواند بهتر و بیشتر با این خاطرات هم‌نفسی کند؛ خاطرات و حرف هایی که شاید، آینده برای شنیدن آن دیر باشد...

در همین باره موسسه پیام آزادگان خراسان رضوی تلاش کرده است، این خاطرات را تهیه و زمینه نشر آن را فراهم کند. به گفته حیدری مسئول روابط عمومی این مجموعه، این موسسه در حوزه مقاومت و ایستادگی اهتمام دارد که حرف های به روز و جدیدی را گفتمان سازی و ارائه کند. ترویج فرهنگ مقاومت و ایستادگی با اشاره به خاطرات آزادگان سرافراز یکی از رسالت های این موسسه است که از چندی قبل بر آن کوشش شده است. حیدری می گوید: دفاع مقدس نیمه های پنهان فراوان دارد و از میان آن قصه ها و غصه های اسارت از همه پنهان تر است؛ پس از حدود ۲۸ سال از آزادی اسرای جنگ تحمیلی هنوز:

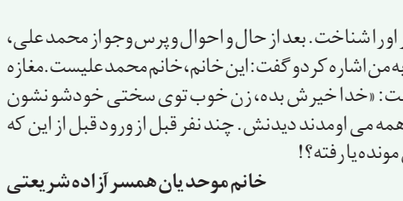

نگفته ایم از نحوه شهادت شهدای غریب اسارت

*نقش و حضور زنان در اسارت

*اسیرانی که ۱۰ سال در سلول بودند

*آزاده‌ای که ۱۸ سال اسارت کشید

*فرار از اردوگاه های دوران اسارت

*استخبارات

*زنده به گور شدن در اسارت

*نقش و صبوری همسران و فرزندان در دوران اسارت

*فرماندهان رژیم بعث در شکنجه اسرا

*نقش منافقین در اردوگاه ها

و ...

این ستون با یاری این موسسه تلاش می کند خاطرات و دردل های آزادگان دفاع مقدس را در قالب نوشته های کوتاه با مخاطبان خود در میان بگذارد. این روایت ها که از دل برآمده است، امید که بر دل نشیند...

### تسلیم تحریم ها نمی شدیم

همه پریزهای برق داخل آسایشگاه رو جمع کردند و داخلش رو با سیمان پر کردند. این فرصت خوبی بود و ما هم تمام سیم های داخل خرطومی ها رو جمع کردیم و با آن ها المنت درست کردیم و همیشه آب گرم داشتیم. نفتی که به اردوگاه می دادند خیلی کم بود و فقط یک بار در زمستان می شد حمام رفت. وقتی بعثی ها می فهمیدند، المنت ها را از ما می گرفتند ولی ما با سیم هایی که مخفی کرده بودیم باز دوباره المنت می ساختیم و تسلیم تحریم ها نمی شدیم.

**آزاده حسن شریعتی فر**

### کپسولی برای تمام بیماری ها

معمولاً خدمات درمانی و بهداشتی در اردوگاه وجود نداشت. یک اتاق ویژه ویزیت بیماران در قاطع شماره یک بود که اسرا را درمان می کردند. یادم می آید دارویی که برای سرماخوردگی می داد برای خارش پوست هم همان دارو را تجویز می کرد. یکی از اسرا اعتراض کرد که این همان کپسولی هست که برای سرماخوردگی داده بودی، امّا من درد پهلو دارم و سنگ کلیه ام عود کرده....

پزشک بعثی هم در جوابش گفت: داخل این کپسول برای تمام بیماری ها دارو ریخته شده!

**آزاده رامین رادمهر**

### تا آخرش ماندم

با مادر شوهرم رفته بودیم خرید. مغازه‌دار او را شناخت. بعد از حال و احوال و پرس و جو از محمدعلی، پرسید: خانمش هست یا رفته؟ حاج‌خانم به من اشاره کرد و گفت: این خانم، خانم محمدعلیست. مغازه‌دار نگاهی از روی احترام به من کرد و گفت: «خدا خیرش بده، زن خوب توی سختی خودشو نشون میده.» محمدعلی که از اسارت برگشت همه می اومدند دیدنش. چند نفر قبل از ورود قبل از این که سراغ اسیر را بگیرند، پرسیدند: خانومش مونده یا رفته؟!

**خانم موحدیان همسر آزاده شریعتی**

### بدترین شکنجه

دکتر بعثی با دیدن شدت جراحات و شکستگی پایم تصمیم گرفت پایم را به آتل وصل کند. دریل آوردن و بدون بی حسی و بیهوشی شروع کردن به سوراخ کردن استخوان ساق پام. «خیلی دردناک و وحشتناک بود» من فقط از آن ها بالشی خواستم که روی صورتم بگذارم تا صدای ناله ام را نشنوند. بعثی ها از شنیدن ناله و ضجه اسرا لذت می بردند و خوشحال می شدند که این زجرآورتر بود.

**آزاده ابوالحسن مظلوم**

### نفوذی ذلیل

ما در اسارت کسی را داشتیم که فقط به خاطر لذّت از خوردن غذای بیشتر، تن به ذلت می داد و جاسوسی می کرد. جالب است که گاهی اوقات هم به طرز شدیدی توسط بعثی ها کتک می خورد و جالب‌تر این که وقتی به بعثی ها اعلام وفاداری می کرد به او می گفتند: تو که به کشور و هموطن خودت وفادار نیستی، چطور می توانی به ما وفادار باشی؟!

«در اسارت بزرگ‌ترین ضربه ها را به خاطر نفوذ جاسوس ها متحمل می شدیم»

**آزاده سرافراز کریم یزدی نژاد**

### نماز با چاشنی شکنجه

اولین جایی که مرا بردند استخبارات بود. چند نفر را در یک سلول کوچک حبس کردند. طوری که حتی جا برای ایستادن هم نبود و بعضی از اسرا زیر دست و پا مانده بودند. اکثر اسرای عملیات بدر به شدّت مجروح شده و از نظر جسمی وضعیت خوبی نداشتند و شب و روز شکنجه می شدند. امّا با آن همه سختی نماز بچه ها ترک نمی شد.

**آزاده غلامحسین کمیلی**

## جدول متوسط [شماره ۷۱۷۲]

**طراح جدول: مجید شادروح**

**افقی**: ۱- از نام های باری تعالی به معنی چیره- مرطوب- چراغ- چاقو ۲- روز قبل- ابریشم سفید- گیاهی با ساقه های سفید و ترش ۳- دوردهان- بانوی فرانسوی- درون- گلی سفید و خوشبو- می دهند و رسوا می کنند ۴- چوبی که هنگام شخم زدن زمین بر گردن گاو می گذارند- ناتوان- سمبل- موی گردن اسب- لیکن ۵- طلا- مشهور- بیماری ریوی ۶- سرنیزه- آتش- ابر- برودت ۷- دست عرب- پیش پرداخت- رایحه ۸- مطمئن- عزم- مرقومه- قرض- خالی ۹- فساد- دلبر- مادر لر- نادر- تکرار حرف ۱۰- بدهکار- دلیل واضح- عهد ۱۱- خواب- ایست قلبی- مدیر- تیز

**عمودی**: ۱- آرامگاه مولوی در این شهر است- شیوه ای در نقاشی برای نشان دادن سایه روشن تصاویر ۲- سمت- تلخ ۳- اسم ترکی- شهری در ایران قدیم و افغانستان کنونی- نت استمرار ۴- چرک- جوانمرد- سوا ۵- سر- حلقوم ۶- واحد تنظیم فنی در تلویزیون- از توابع مثلثاتی ۷- آرامگاه- ماشین جنگی ۸- خالص ۹- رفوزه- تروتازه- میوه خوب ۱۰- ضمیمه- معمولی ۱۱- توانایی خواندن و نوشتن- پناه ۱۲- عدد خیطی- حاشیه- همه ۱۳- شش ۱۴- نوعی کفش پاشنه دار- سرزمین ۱۵- آهو- نومید ۱۶- چاه جهنمی- خزنده گزنده ۱۷- معدن- فلز گلوله- فصل و بخش ۱۸- برگ برنده- قلعه حسن صباح- جنس خشن ۱۹- تکیه بر پشتی- دانه خوشبو ۲۰- جدار- ترازنامه

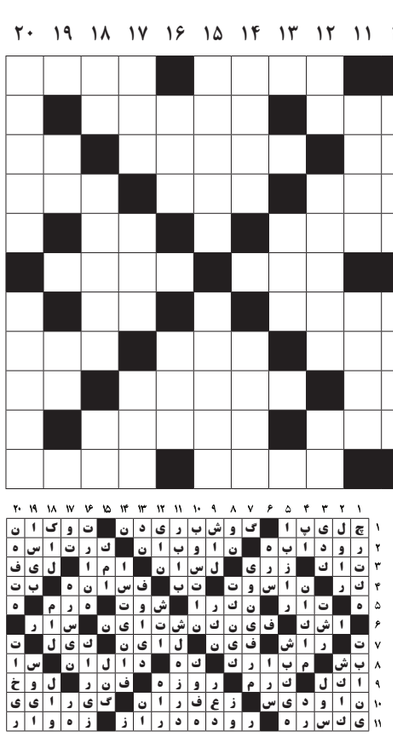

حل جدول شماره ۷۱۷۱



## جدول سخت [شماره ۳۸۲]

**طراح جدول: بیژن گورانی**

**افقی**: ۱- اثر جاودانه عمان سامانی، شاعر عصر قاجار در رثای امام حسین(ع) و اهل بیت- سازمان تبهکاری چین ۲- گودال- معادل فارسی کابل- توانایی انجام فریضه حج- کهنه پرست ۳- وابستگی- افسار- خمیده- پروردگار ما ۴- متکا- پاکیزه- مادر بزرگ- نورگیر آپارتمان ۵- از شهرهای مهم مراکش- نوعی بیماری پوستی- توضیح اضافی بر مواد قانون- حرف پیروزی ۶- هر موجود زنده- دور افتادن از وطن- از بزرگ ترین نویسندگان قرن بیستم اسپانیا ۷- پیش درآمد آشغال- امتحان- شب زنده داری- توصیه ۸- معادل فارسی خروج- زیرین- قابل مشاهده- مغازه ۹- سخنان مضحک می گوید- درختکاری شده- عقیم- شب های عرب ۱۰- پشت سر- ایالتی در آمریکا- گازی قابل اشتعال- قسمتی از پا ۱۱- دلخواه و مطلوب- شاعر شهیر و پرآوازه ترکمن که اشعارش به زبان های آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه شده است.

**عمودی**: ۱- بهترین عطر سنتی ایران- شهر خیالی در انتهای مشرق عالم ۲- رمان مشهور امیل زولای فرانسوی- تحلیل رفتن یك سلول ۳- بزرگ منش- دوستی ۴- از الحان باربدی ۵- سوره هفتاد و هشتم قرآن- فخر کردن- بوی رطوبت ۶- همه چیز را جمع می بندد- خیمه و خرگاه- صندلی تشریفاتی ۷- تنگدستی- حلقه فلزی یا پلاستیکی برای توزیع بار پیچ و مهره ۸- شیوه تلفظ- هماهنگی ۹- گلابی- مقیاس مسافت قدیمی ۱۰- جدرستم در شاهنامه- فیلسوف انگلیسی قرن بیستم- نوعی بالاپوش ۱۱- شکمو- بندری در عراق- کشتی جنگی ۱۲- نوعی انرژی- دمای زیاد و سوزاننده ۱۳- سرد مزاج- روزی دهنده ۱۴- کج و خمیده- شهری در ایالت واشنگتن ۱۵- رنج و سختی- فیلتر- ویتامین محلول در چربی ۱۶- برهنه- نامی دخترانه- آب میان بافتی ۱۷- استراتژیک ۱۸- خشك- به صورت علنی ۱۹- کیسه آب جنین- دراز گوش ۲۰- خوب و پسندیده- نوزاد.
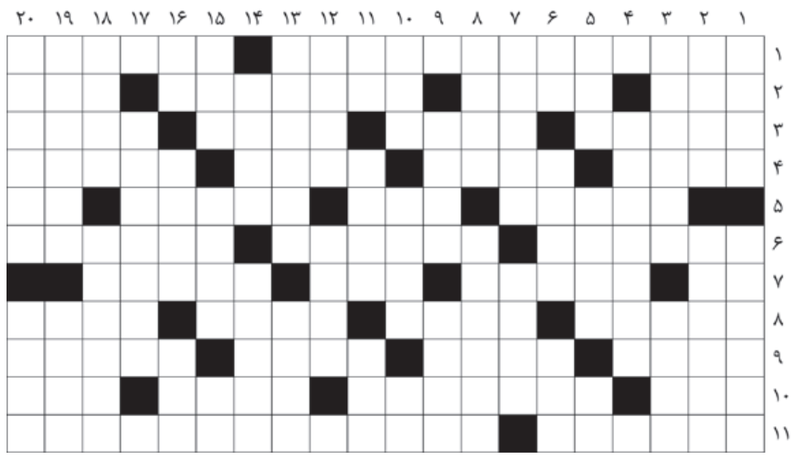
حل جدول شماره ۳۸۱